

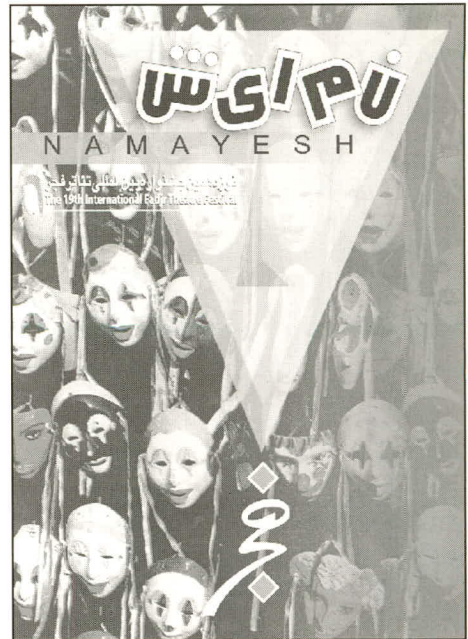
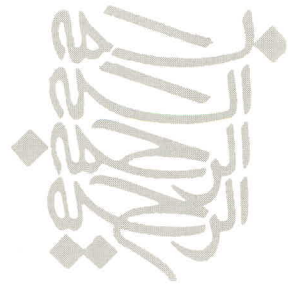
نمایهش ۱۱

N A M A Y E S H

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
The 19th International Fajr Theatre Festival

۱۱





نمایش

NAMAYESH

ویژه نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

۲ تا ۱۴ بهمن ماه ۱۳۷۹

سردبیر	◀ لاله تقیان
طراح و مدیر فنی	◀ انوشیروان میرزائی کوچکسراشی
مترجمین	◀ اختر اعتمادی - آوا سرجویی
عکاس	◀ فغانه دادخواه
کامپیوترگرافیک	◀ کیانوش رضائی
حروف نگار	◀ فرزانه سرمدی
صفحه بندی کامپیوتری	◀ پرویز میرزا حسینی
لیتوگرافی رنگی	◀ جهاد دانشگامی (واحدنر)
چاپ جلد	◀ چاپ نخستین
چاپ متن	◀ انتشارات نمایش
همکاران	◀ جواد تولمی - محمد علی میرزایی - علیرضا لطفعلی - هانی کیوان ثانی شراره محمدخباز - فریما روحی نژاد - ناهید کشاورز - افشین منقولی فرهاد سرافراز - مریم محمدی - مهرانه آتشی

انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center
مرکز هنرهای نمایشی

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکس ها با ذکر مأخذ آزاد است. **نمایش** در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب واداره مختار است. مقالات رسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استادشهریار (ارفع)، تالار وحدت، کدپستی ۱۱۳۳۴، انتشارات نمایش
تلفن: ۵-۰۱۰۱-۶۷۰ و ۶۷۰۸۸۶۱، پست تصویری: ۶۷۰۳۴۸۵، پست الکترونیک: dac @ neda.net
آدرس سایت اینترنت: <http://www.irannamayesh.com>

نوزدهمین THE 19th INTERNATIONAL EADIR THEATRE FESTIVAL
جشنواره بین المللی تئاتر فجر
تهران - ۲ تا ۱۴ بهمن ۱۳۷۹
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001

◁ اثر ادبی، اثر نمایشی

استفاده از متون ادبی، داستان‌ها، رمان‌ها و یا حتی برخی اشعار در صحنه نمایش بسیار معمول است. بسیاری از آثار مهم ادبیات جهان بر صحنه به نمایش در آمده‌اند و به اثری تئاتری بدل شده‌اند.

میان برنامه‌های نوزدهمین جشنواره دو نمایش 'سووشون' اثر سیمین دانشور با کارگردانی منیژه محامدی، 'سازده احتجاب' اثر زنده یاد هوشنگ گلشیری و کارگردانی علی رفیعی؛ همچنین 'سازده کوچولو' اثر انتوان دو سنت اگزوپری با اجرای گروه روهرآلمان و 'مگس‌ها' اثر ژان پل سارتر با اجرای تصویری گروه 'ماموت' از کشور اسلوانی و برخی دیگر از برنامه‌ها این وجه مشترک را داشتند که همه بر اساس اثری ادبی ساخته شده و جنبه نمایشی یافته‌اند.

در اینجا بی‌آنکه قصد مقایسه اجرای گروه‌های یاد شده را داشته باشیم می‌توانیم به نحوی این نکته را در نظر بگیریم که هر اثر ادبی می‌تواند قابلیت و ظرفیت ویژه‌ای برای به صحنه آمدن داشته‌باشد. اما هر کارگردانی بر حسب نوع تفکر و اندیشه‌اش یا گرایش به شیوه خاصی در اجرا، قصد دارد از اثر ادبی به اثری نمایشی و دراماتیک برسد.

در این زمینه آنچه بسیار اهمیت دارد، تفاوت‌های اثر ادبی با اثر نمایشی است. بدین مفهوم که چنانچه گروه اجرایی صاحب فکر و اندیشه‌ای مستقل باشد و بتواند از ساختار ادبی اثر بگذرد و مفاهیم و تصاویری نمایشی از آن بسازد، مطمئناً آن اثر، در ساختار نوشتش، صاحب هویت جدیدی خواهد شد. و اگر جز این باشد نمایش تنها روایتی ابتر از آن اثر ادبی خواهد بود. بی‌آنکه بتواند جنبه‌های نمایشی برجسته‌ای را نشان دهد و یا اندیشه و فکری نو را برای ساخت اثری تئاتری انتقال دهد. در این مورد آنچه در وهله اول اهمیت دارد، دقت و توجه به این مسئله است که آیا اثر ادبی انتخاب شده دارای ظرفیت و قابلیت‌های لازم برای تبدیل شدن به 'نمایش' هست یا نه؛ و اگر چنین است چگونه باید از قالب و ساختمان اصلی‌اش به ساختار جدید تبدیل شود؟ اینجاست که به‌ویژه عنوان 'دراماتورژ' معنا و مفهوم پیدا می‌کند و شاید چنانچه بخواهیم مفهوم این عبارت را در زبان فارسی جستجو کنیم نزدیک‌ترین عبارت را در 'نویسنده متن نمایشی' خواهیم یافت. اما غرض از این چند کلام این بود که در این جشنواره چنین فرصتی پیش آمد که بتوانیم تفاوت دیدگاه برخی کارگردانان را بی‌آنکه از ارزش و اهمیت آن اثر بکاهند، با طرحی نو و امروزی ببینیم و در برخی دیگر برعکس؛ اثر ادبی به دلیل عدم توانایی گروه اجرا کننده همچنان به عنوان 'ادبیات' اجرای نمایشی را زیر سلطه کامل داشت.

در این شماره می‌خوانیم

۳	اثر ادبی، اثر نمایشی
۴	تئاتر و گفتگوی تمدنها
۵	اخبار جشنواره
۸	ارداویرافنامه، وامدار گفتگوی تمدنها
۹	آنتیگونه
۱۰	گزارش مصور
۱۲	مسابقه در تئاتر ضد فرهنگ نیست
۱۳	ساختار زندگی واقعی
۱۴	نظر تماشاگران
۱۶	بخش انگلیسی
۱۸	برنامه‌های امروز و فردا

می‌کنند نمایش به یک معنا گفتگو می‌کنند هنری نیست که گفتگو نکند یک نمایش بدون کلام هم (پانتومیم) گفتگو می‌کند منتها زبانی که ما در یک نمایش پانتومیم مشاهده می‌کنیم زبان گفتاری نیست زبان حرکات است. پس حرکات می‌تواند هم گفتگو باشد. اتفاقاً گاه انسان‌ها می‌توانند با زبان حرکت مفهومی را برسانند که این مفهوم را با کلمه نمی‌توان بیان کرد. فرض کنید که دو نفر که همدیگر را دوست دارند این دوستی می‌تواند بین یک عاشق و معشوق، بین مادر و فرزند و یا بین دو دوست باشد، واژه‌های مختلفی را استفاده می‌کنند برای بیان رابطه‌ای که با یکدیگر دارند. اما گاهی نگاهی که به یکدیگر می‌کنند حالت چهره آنها گویاتر از واژگانی است که آنها استفاده می‌کنند شاید این تعبیر که مولوی به عنوان یک هنرمند بزرگ که زبان ارتباط با جهان و انسان را به خوبی یافته است، «حرف و گفت و صوت را بر هم زنند / تا که بی این هر سه دم زنند» یعنی می‌توان سخن گفت بدون حرف، می‌توان بدون صدا و صوت سخن گفت و می‌توان بدون کلام سخن گفت و این امکان وجود دارد. در بین هنرهایی که مورد نظر هستند، تئاتر به نظر من زبان گفتگویش قوی‌تر از بقیه هنرهاست یعنی اگر من بخواهم انتخاب کنم به عنوان یک علاقه‌مند که کدام هنر زبان، گفتگوی قوی‌تری دارد نقاشی، شعر، سینما، موسیقی و غیره به نظر می‌رسد که قویترین زبان را تئاتر پیدا می‌کند. به دلایل مختلف که مهمترین دلیل این است که این هنر یک هنر زنده است. تئاتر از جمله هنرهایی است که، بهترین زمینه را برای برقراری ارتباط پیدا می‌کند. خوب انسان چه نیازی به ارتباط دارد؟ آیا انسان نمی‌تواند مثل رایبسون کروزوتو! در منطقه‌ای صرفاً با طبیعت به سر برد یا حداکثر با موجودات جاننداری مثل ماهی و خرگوش و غیره در جنگل سر کند. خود پیدا است که این هنر زندگی نیست یک اتفاق است که ممکن است در زندگی یک نفر در مقطعی بیافتد. زندگی انسان در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد همانگونه که ما عظمت ساختمان‌ها را با یکدیگر می‌سنجیم یکی از درجات سنجش حجم و ساختار و کمیت این ساختمان‌هاست. که در اثر گفتگو مطرح است درواقع گفتگوی تمدن و یا فرهنگ، خود تمدن که موجود حقیقی نیست که بگوییم این تمدن با آن تمدن



تئاتر و گفتگوی تمدن‌ها

بخش‌هایی از سخنرانی دکتر مهاجرانی در چهارمین روز همایش

خواستیم در حوزه فرهنگ را هم روحی انتخاب کنیم گوهر و بن فرهنگ چه چیزی است که ساختمان فرهنگ بر آن مبتنی می‌شود. آنچه که به فرهنگ هویت و جهت می‌دهد هنر است در واقع روح فرهنگ هنراست. فرهنگ یک کشور را می‌توان به عنوان منظومه‌ای تلقی کرد و این منظومه ارکانش و بن وجودی‌اش و هویتش هنر است. به طبع وقتی از هنر صحبت می‌کنیم در یک کلام هنر امکان ارتباط و بیان انسان است با استفاده از پدیده‌های مختلف؛ انسان از کلمه استفاده می‌کند برای بیان نظر خودش، این یک هنر است. انسان از سنگ استفاده می‌کند برای بیان منظور خودش. این یک هنر است پس می‌توان سنگ را که سخت‌ترین و ساکت‌ترین پدیده در طبیعت است که به جز آن کلام، پدیده را می‌توان جستجو کرد. با این ویژگی‌ها می‌توان به سخن گفتن در آید مثل همان جمله معروف که به مجسمه موسی هفت تنه برحیر، یعنی سحومی سه در سنگ اتفاق افتاده بود در واقعیت زندگی بود که در سنگ قابل مشاهده بود و آن حرف را می‌زد. رنگ هم می‌تواند وسیله‌ای باشد برای بیان آن برداشت و نظریه‌ای که به تناسب استفاده‌ای که

بسم!... الرحمن الرحیم. با سلام و احترام حضور جمع عزیز شاماییمانان عزیز و هنرمندانی که از کشورهای دیگر مهمان هستند، هنرمندان و علاقه‌مندان تئاتر. موضوعی که انتخاب شده تا خدمت شما صحبت کنم تئاتر و گفتگوی تمدن‌هاست برای اینکه بحث یک مبنای متناسب و منطقی پیدا کند گمان می‌کنم ذکر این مقدمه ضروری است که وقتی ما از تمدن صحبت می‌کنیم، تمدن رابه عنوان یک پدیده و یک ساختار تلقی می‌کنیم این پدیده و ساختار روش فرهنگ است. ساخت یک شهر تمدن است اما چگونه ساختن شهر فرهنگ است. تفاوت ساخت شهری فرضاً یک شهر غربی با یک شهر شرقی یا آفریقائی در واقع بازگشتش به فرهنگ است. ساختمان‌ها بنای آن و رنگ‌ها، بر چگونگی زیست انسان‌ها دلالت دارد. لباس پوشیدن تمدن است انسان متمدن لباس می‌پوشد اما چگونه لباس پوشیدن فرهنگ است. برای اینکه ما لباس خودمان را چگونه انتخاب می‌کنیم. مثال‌های متعددی می‌توان زد که به دلیل بداعت موضوع در اینجا قابل طرح نیست. اجمالاً فرهنگ روح تمدن است. فرهنگ چیست؟ یعنی مرحله بعدی اگر

صحبت می‌کند، در واقع نمایندگان تمدن انسان‌ها هستند. و شاخص‌ترین نمایندگان آن هنرمندان هستند؛ نه این که گفتگو امری است که با طرح نظریه‌ای که جناب آقای خاتمی مطرح کردند اتفاق افتاده باشد. فرض بکنیم که در حوزه کتاب در کشور ایران در سال ۱۳۷۹، حدود ۲۳ هزار عنوان کتاب منتشر شده است و در سال ۱۳۷۸ حدود ۲۲ هزار عنوان کتاب بوده است که تقریباً نیمی هم کتبی هستند که ترجمه می‌شوند. کتاب وقتی ترجمه می‌شود یعنی ما امکان گفتگوی یک نویسنده را از آن طرف دنیا با مردم ایران برقرار می‌کنیم. کتاب نویسنده ایرانی که ترجمه می‌شود یا گروه تئاتر ایرانی که به کشورهای دیگر می‌روند یک گفتگوست. خصوصاً این که این نمایشنامه رنگ و بو و سرشت ایرانی و شرقی پیدا کرده بود. از این جهت به نظر می‌رسد که این امر گفتگو امری نیست که پنهان مانده باشد. منتهی مهم آن است که انسان‌ها به آن توجه داشته باشند. چرا این توجه ضرورت دارد. به دلیل اینکه من فکر می‌کنم مهمترین بخش آن بسیار تخصصی شدن علوم است. در عصری که ما زندگی می‌کنیم و از طرفی هم یک حالت و نوعی انزوا برای انسان عصر جدید ایجاد کرده است یعنی یک انسان می‌تواند در انزوای خودش آنچه که مورد نیاز است را فراهم کند. این پدیده‌ای بود که بعضی از جامعه‌شناسان ژاپنی هم به آن توجه کرده بودند و کاملاً سیستم ماشینی واتوماسیون اداری و صنعت موجب شده که ارتباط انسان‌ها به حداقل برسد و این پدیده یک سری عوارض اجتماعی و فرهنگی دارد که بایستی آن را به شکلی دیگر مورد بررسی قرار داد و برای آن برنامه‌ریزی کرد. موردی هم پیش از این دیدم مقدمه‌ای که بر کتاب ادموند اوسرن نوشته شده است، بحران در علوم اروپایی است. مقدمه را ادوارد هارولد نویسنده کتاب تاریخ چیست که به فارسی نیز ترجمه شده است در آن اشاره می‌کند به این که «این اندازه تخصصی شدن دانش‌ها موجب شده که گوهر دانش و روح دانش و حکمت آن رافراموش کنیم». یعنی بشر با جسم دانش مرتبط شده اما روح دانش را از دست داده است. به همین دلیل هم عنوانی که وی به کار برده بحران در علوم اروپایی است. چرا بحران است؟ به دلیل اینکه مانسبت به آن چه که آن را بن و گوهر دانش بود فاصله

گرفته‌ایم. من گمان می‌کنم که گفتگو چنین مجالی را فراهم می‌کند که انسان راه‌برون رفت از بحران را شناسایی بکند. در واقع دانش راه ورود به یک‌عرصه را نشان می‌دهد بدون اینکه راه خروج را نشان دهد. در مخزن‌الاسرار نظامی این تعبیر است که «بر سر کاری که در آئی نخست / رخنه بیرون شدنش کن درست» یعنی وقتی انسان کاری را انتخاب می‌کند برای ورود به آن بایستی راه خارج شدن از آن را بیاموزد. یکی از داستان‌های معروف بورخس که از ادبیات شرق، هزار و یک شب، بهره برده موضوع قلمه‌ای است با هزاران اتاق و هزاران در و مثل یک مار پیچ در پیچ راز گونه. انسان وارد این قلعه می‌شود اما وقتی وارد شد راه خروج را پیدا نمی‌کند. این راه خروج را دانش در روزگار ما به ما نشان نمی‌دهد. من گمان می‌کنم که تئاتر به عنوان یکی از مهمترین و زنده‌ترین ابزارها و وسیله‌ای ارتباطی می‌تواند چنین فضایی

لوثیجی پیراندلو که نمایشنامه‌ای دارد و در آنجا اشاره شده به انسان که باید جستجو کند تا خود را پیدا کند. و یا در کتاب دیگرش که ترجمه نیز شده با نام «یکی، هیچ کس، صد هزار» که انسان بایستی مدام در زندگی خودش جستجو کند و چهره واقعی خودش را پیدا کند. من معتقدم که اگر همین سؤال به معنا در ذهن انسان ایجاد شود که خودش را جستجو کند و پیدا بکند. ما به زمینه گفتگو نزدیک شده‌ایم و این یک امر صرفاً فردی نیست که یک نفر با انزوا بتواند خودش را پیدا کند. چون آن به هر حال یک پاره‌ای از خود خواهد بود. اصلاً خودش را در جمع پیدا می‌کند و با جمع زندگی آن معنی و مفهوم پیدا خواهد کرد. جمعی هم که الان صحبت می‌کنیم نمی‌تواند یک نفر به عنوان اینکه صرفاً ایرانی است بگوید من در زندگی خودم در قلمرو واندیشه و هنر صرفاً با ارتباط در محدوده فرهنگی ایران زندگی خواهم کرد.

را برای انسان فراهم کند. نکته مهمی هم، به این قضیه کمک می‌کند این است که حالا بحث، یک بحث تاریخی نیست که بازگردیم به تاریخ تئاتر چون موارد مکتوب وجود دارد. اما انسان‌ها از تئاتر به عنوان یک وسیله برای گفتگو و پیدا کردن خود و شناخت دیگران می‌گیرند. است چرا در روزگاری که زندگی می‌کنیم تئاتر همچنان زنده و مورد علاقه است؟ چرا که انسان احساس می‌کند این هنر می‌تواند سؤالی را که در ذهن اوست پاسخ دهد. البته در اینجا تلاش اصلی و رسالت بر دوش هنرمند است. به چه مقدار از آن استفاده کند. در گزارشی که من می‌خواندم در مورد زندگی

ممکن نیست بالاخره این فرد در ایران زندگی می‌کند. یک نسبتی با فرهنگ ایرانی دارد این فرد مسلمان است نسبتی با تمدن اسلامی پیدا می‌کند می‌تواند زرتشتی باشد نسبتی با فرهنگ و آئین زرتشت پیدا می‌کند. این فرد بالاخره شرقی است آسیائی است و نمی‌تواند با آن بی تفاوت باشد و بالاخره همانطور که یک فرد غربی نمی‌تواند بیگانه باشد و گمان می‌کنم که تئاتر یک امکان بسیار خوبی است که می‌توان زمینه شناخت خود از راه شناخت دیگران را به آن بست.

متن کامل این سخنرانی در مجله نمایش بجای خواهد رسید



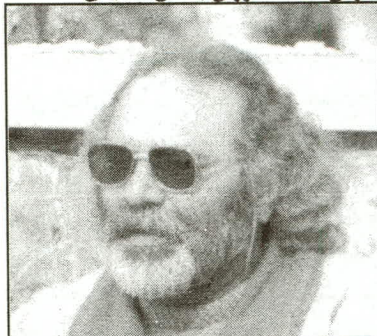


صحبت‌هایی که آقای خاتمی در سازمان ملل داشتند ما خوشحالیم که توانستیم در جشنواره فجر شرکت کنیم.

او در مورد فرهنگ کشورش گفت: در واقع رودخانه بزرگی به نام رودخانه زرد در چین وجود دارد که یک قسمتی از آن از استان ما هم می‌گذرد. و فرهنگ ما معروف به فرهنگ کنار رودخانه زرد است. و سرمنشاء فرهنگ چینی‌ها همین فرهنگ رودخانه زرد است. وی در مورد گروه حاضر در جشنواره گفت: حدود ۷۰ سال از سابقه این گروه می‌گذرد و گروهی است شامل بخش‌های هنری، تحقیقاتی است. وی افزود: ژاپنی‌ها نمایش کشورشان را از ما گرفتند. اگر خوب دقت کنید بین نمایش ژاپن و چین تشابهاتی وجود دارد که سرمنشا آنها چین است. تئاتر چین چون منطقه‌ای است هر کدامشان با خودشان گروه‌ها و مشتاقان خاصی دارند. از طرف دولت چین هم برای توسعه اپرای چینی در سطح شهرهای مختلف دفترهایی تأسیس شده است که کارشان جذب مردم برای برنامه‌های اپراست. وی در مورد ارتباط و موضوعات اپراها گفت: مشکل اپرای چینی زبان است و گرنه داخل این اپرا ارتباط، رفتارها، علایق و داستان‌ها و حکایت‌هایی وجود دارد که خیلی زیباست، البته قسمت‌های جنگ در آن زیاد است. ما داستان‌های عشقی را توسط همین گروه در چین اجرا کرده‌ایم و ارتباط خوبی هم با مردم برقرار کرده است.

اخبار جشنواره

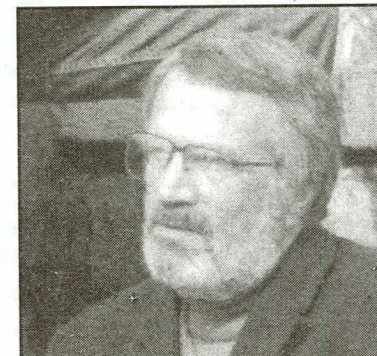
معرفی هیئت داوران بخش خیابانی



۱- محمد کاسبی: متولد ۱۳۳۰ تهران و دارای مدرک کارشناسی و بازیگری و کارگردانی تئاتر از دانشکده هنرهای دراماتیک و نویسنده نمایشنامه‌های زالو، بایگانی و...



۲- مریم معترف: کارشناس ارشد تئاتر از فرانسه کارگردان، بازیگر و داور چندین جشنواره تئاتر استانی و منطقه‌ای کارگردانی نمایشهایی از قبیل آهوان، آدم‌ها، شب و فرود سیاوشان ایفای نقش در نمایش‌های آهسته با گل سرخ، درس، طبیب اجباری، پیروزی در شیکاگو و چمدان



۳- حسین راضی: متولد ۱۳۲۳ شیراز، دارای مدرک کارشناس تئاتر و بازی در صحنه‌های تئاتر و تلویزیون و همچنین داوری چندین جشنواره تئاتر.

گزارش جلسه مطبوعاتی

در دهمین روز از جشنواره "خانم رناته کلت" از کشور آلمان و سرپرست گروه "لیدی یانگ" از کشور چین در جمع خبرنگاران حضور پیدا کردند و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. رناته کلت در ابتدا ضمن معرفی خود گفت: کل زندگی‌ام در اطراف تئاتر گذشته است. زمانی به کارگردانی تئاتر، زمانی دراماتورژی و زمانی هم سینما. اما کار اصلی من با کارگردانی شروع شده اما در حال حاضر منتقد تئاتر هستم. وی افزود: من متخصص تئاتر بین‌المللی هستم یعنی به کشورهای مختلف سفر می‌کنم و تئاتر می‌بینم من معمولاً و مرتباً در فستیوال‌های ادینبورگ، مونترال و آوینیون شرکت می‌کنم و اینبار تصمیم گرفتم به فستیوال‌هایی بروم که خیلی هم معروف نیستند. در این جشنواره‌ها همه مردم با اشتیاق به تئاتر نگاه می‌کنند و در آنجا اتفاقات جالبی می‌افتد. همه جشنواره‌ها شبیه به هم هستند. "رناته کلت" در بخش سخنانش تئاتر ایران را شبیه به تئاتر رادیویی دانست و گفت، بازیگران در اینجا هیچ حرکت و ارتباطی در روی صحنه با یکدیگر ندارند. دکور هست ولی بازیگران هیچ ارتباطی با دکور نمایش ندارند. منظورم از ارتباط این نیست که الزاماً یک صحنه زیبا و دکور پر خرج داشته باشد. حتی یک صندلی هم می‌تواند جز دکور باشد.

وی در مورد منتقد گفت: "در کشورهای اروپای غربی معمولاً منتقد یک قاضی است و از این طریق می‌خواهد ثابت کند که از کارگردان هم بهتر نمایش را می‌فهمد.

منتقد خیلی کله شق است و حتی می‌گویند منتقد دشمن خونی هنرمند است. به نظر من منتقد باید یک ذهن باز و کنجا داشته باشد و با آن ذهن به تماشای یک نمایش بنشیند. وی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در مورد اینکه آیا منتقدانی در تئاتر معاصر دنیا وجود دارند که پا به پای تولید اثر هنری حضور داشته باشند؟ گفت: در یک کلام بگویم نمی‌دانم. چرا که اگر منتقد بخشی از گروه باشد خودش جزء آن گروه می‌شود و دیگر نگاه به این نمایش برایش مشکل است. منتقدانی را می‌شناسم که اینقدر درگیر تئاتر شدند که تولید کننده شدند و کار نقد را رها کردند. سپس نماینده گروه چین گفت: بر اساس

گزارش جلسه نقد و بررسی نمایش
"بهجت"

تالار سایه سه شنبه شب نیز میزبان گروه تئاتر بازی بود و پس از اجرای نمایش بهجت (نوشته محمد چرمشیر) حسین عاطفی کارگردان نمایش در کنار مهرداد رایانی مخصوص و نصرالله قادری از کانون منتقدین برای برگزاری جلسه نشستند که البته محمد چرمشیر نیز همچون شب گذشته در کنار آنان قرار گرفت. قادری قبل از هر چیز به سراغ متن نمایش رفت و ضمن اشاره به سخت بودن نمایشنامه‌های تک نفره (چه در نوشتن و چه در اجرا) از آثار برجسته این نوع کار همچون "پرده برداری" و "آخرین نوار کراپ" به عنوان نمونه نام برد و نبود ساختار به سامان را بزرگترین مشکل این نمایش دانست. چرمشیر نیز در

گزارش نقد و بررسی نمایش شازده
!احتجاج

نمایش شازده احتجاج در حالی اجرا شد که قریب صد تن از دوستداران تئاتر به لحاظ پر شدن ظرفیت تالار وحدت پشت درهای بسته ماندند. بعد از اجرای نمایش "شازده احتجاج" جلسه نقد و بررسی نمایش فوق بدون حضور گروه اجرایی برگزار شد.

همایون علی‌آبادی، صمد چینی‌فروشان و اکبرلو جسه نقد شازده احتجاج را با انتقادهای تند آغاز کردند و در ادامه جلسه علی‌آبادی پیرامون میزانس‌های تکراری شده در چندین نمایش اخیر دکتر ربیعی داد سخن داد. وی در ادامه

جواب خود این نکته را یادآور شد که در هر نمایش ابتدا باید ساختار خاص خود آن اثر را یافت و پس از آن درباره ضعفهای سخن گفت. از دیگر بحث‌های این جلسه ایرانی نبودن زن نمایش بود که گروه اجرا و بعضی از تماشاگران اعتقاد داشتند این زن به شدت ایرانی است و هر یک نمونه‌هایی در تأیید نظر خود آوردند.

در این جلسه، گرچه حسین عاطفی (کارگردان) با تمام خستگی‌اش حضور پیدا کرده بود ولی هیچ بحثی درباره اجرا صورت نگرفت و همه به نمایشنامه می‌پرداختند.

در انتهای این جلسه آتیلا پسیانی در انتقاد به جلسات نقد و بررسی گفت: به یاد داشته باشیم کسانی که در این جلسات حضور می‌یابند علاقه‌مندانی هستند که بعضی از آنها به تازگی با تئاتر آشنا شده‌اند. باید و نبایدها را (درباره

نقاط ضعف متن را بر شمرد و از شکسته شدن پیاپی و آگاهانه زمان و مکان در متن شازده احتجاج به عنوان تنها نقطه قوت کار گلشیری یاد کرد. شدت انتقادات منتقدین باعث تحریک بعضی تماشاگرانی شد که نمایش را دیده بودند. از جمله این تماشاگران می‌توان به دکتر حاجیان (رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی) اشاره کرد. حاجیان یادآور شد که انتقادات سمت و سوی یکسویه دارد و غیر آکادمیک است.

علیرضا غفاری از منتقدین تئاتر ضمن انتقاد از بازی تکراری اکبر زنجانی‌پور، غلط بودن طراحی نور و میزانس‌های تکراری، از نبودن گروه اجرایی در جلسه نقد و بررسی انتقاد کرد.

تئوری و عقاید) به گونه‌ای به کار نبریم که اینان جز همان فرم و شاخصه چیز دیگری، نشناسند و این همان خطری است که در جوانی خیلی از ما را تهدید می‌کند."

در این جلسه نیز همچون جلسه قبلی گروه تئاتر بازی تعدادی از تماشاگران حضور پیدا کردند.

بلیط نصف قیمت!!

همه چیز بازار سیاده داشت جز بلیط‌های گران قیمت جشنواره تئاتر فجر. اما گویا دلان همه چیز، از بین همه چیز دست از سر بلیط‌های جشنواره هم بر نداشته‌اند. در شلوغی جلو درب اصلی تئاتر شهر قدم می‌زدیم که ناگهان صدایی با آوایی شبیه کوپن فروش‌های میدان انقلاب و امام حسین به گوشم رسید. جوانی از کنارم رد شد و مرتب این جمله را تکرار می‌کرد: "بلیط نمایش، نصف قیمت، خارجی نصف قیمت!!!!"

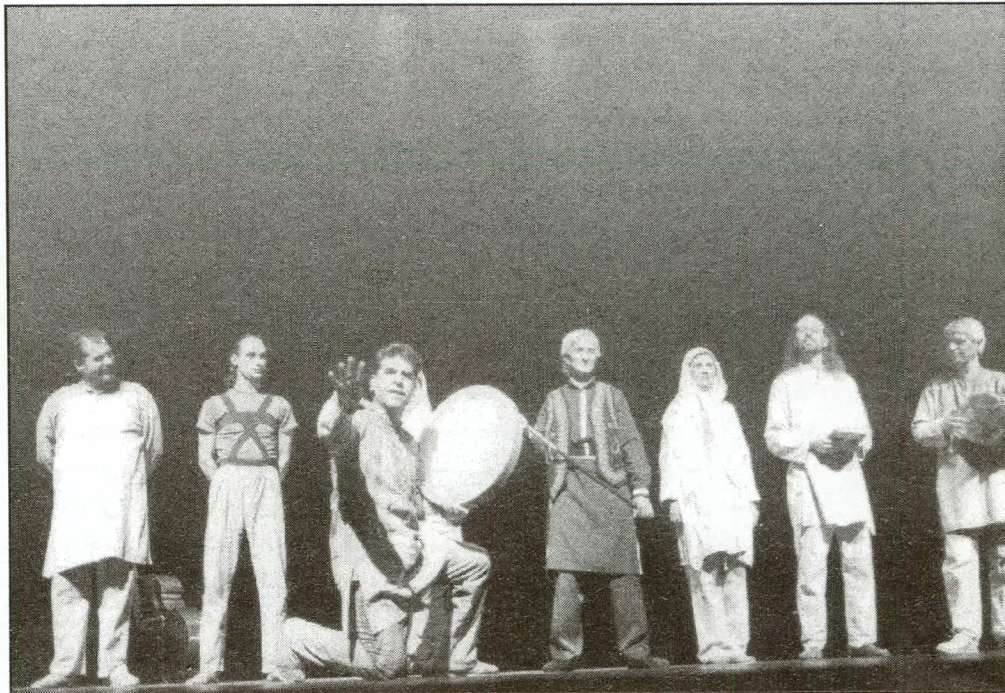
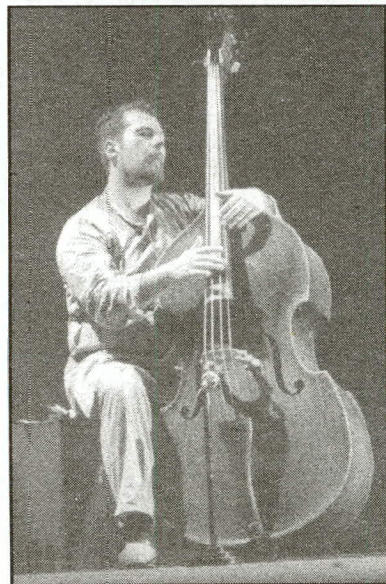
یک خیابان دو اجرا

امروز در محوطه باز تئاتر شهر نمایش خیابانی در حال اجرا بود و جماعت گرداگرد در حال تماشای نمایش. ناگهان با فریاد مردی پشت سر تماشاگران همه نگاه‌ها به آنسو رفت و آرام آرام جماعت هم به دنبالش رفتند. بعد فهمیدیم نمایش خیابانی دیگری در آنسو در حال اجراست و این فریادها برای شروع آن نمایش بوده است. این برنامه‌ریزی کمال بی‌احترامی به اجرای یک نمایش خیابانی است. این فریاد حتی اگر در سالن سر بسته زده شود همه از کار رو می‌گردانند چه رسد به خیابان و تئاتر خیابانی که قدرتش در حفظ تماشاگر است.

اجرای آموزشی

کارگاه آموزشی تئاتر توسط اساتیدی که از کشور انگلستان میهمان نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بودند، حاصل چهارده روز آموزش حرکت، صوت و طراحی صحنه را با حضور شاگردان کارگاه مزبور در آخرین روز جشنواره به نمایش می‌گذارند. این برنامه در ساعت ۲ بعدازظهر روز جمعه در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا خواهد شد. نمایشی که بدین منظور اجرا خواهد شد از میان موضوعات گوناگونی که مورد آموزش شاگردان این کارگاه بوده انتخاب شده است.





ارداویر افنامه، واهدار گفتگوی تمدن‌ها

نمایش شاید بی‌نظیر نباشد اما در نوع خود کم‌نظیر و حیرت‌آور است. به هر حال توجه به تمدن و دین کهن ایرانیان در تئاتر ایران بسیار غریب مانده و متأسفانه هنرمندان داخلی کمتر جرأت می‌کنند اعتقاد یکتاپرستی، "زرتشت"، را ارج داده و به آن ببالند. شاید بهتر است به یاد آوریم که در زمان قدیم‌تر نیز ایرانیان دینی داشتند که در آن به خدای یکتا ایمان داشتند و گفتار نیک، اندیشه نیک و کردار نیک را مبرا دانسته، به آن عمل می‌کردند. به هر حال بهتر است به تمدن ایرانی توجه بیشتری شود تا نه تنها از یاد نرود بلکه ایرانیان به آن ببالند و این وظیفه خطیر هنرمندان ایرانی در داخل و خارج کشور است که خانم خردمند شاید اولین قدم آنرا برداشتند. خوشبختانه این تئاتر با تماشاگر ایرانی رابطه بسیار خوبی برقرار کرد. حقیقتاً این وظیفه هنرمندان است که با هنر خود در گفتگوی تمدن‌ها شرکت کرده و فرهنگ و تمدن ما را به جهانیان بشناسانند و البته مسئولان هم باید زمینه لازم را برای هنرمندان ایجاد کنند تا بی‌هیچ ترسی تمدن کهن خود را درخشان‌تر و نمایانتر کنند به امید آن روز.

محمد علی میرزایی

کارگردان: شهرو خردمند

بازیگران: گلچهره سجادیه، علی فتحعلی، ولی‌الله ترابی، داود بهشتیان، آنتونیو کانالا، حافظ خلیفه

نمایش ارداویرافنامه به کارگردانی خانم شهرو خردمند و به عنوان کاری مشترک از ایران و ایتالیا با ساختاری جالب و نو به روی صحنه رفت. این نمایش که در اصل گذری دارد بر تمدن اصیل ایرانی و دین ایرانیان در آن زمان (زرتشت)، با تلفیقی ماهرانه و زیرکانه با تمدن کهن روم توسط هنرمندان ایتالیایی به ساختاری نو و راهکاری به سوی گفتگوی تمدن‌ها دست یافت. استفاده از عوامل ساده و گویای دو فرهنگ، خصوصاً فرهنگ ایرانی، وام‌گیری از نقالی سنتی، استفاده از سازهای کامل و گویای دو فرهنگ که ذاتاً تفکری عمیق در پس خود دارند و هنرمندی هنرمندانی چون گلچهره سجادیه، همگی دست به دست هم دادند تا نمایشی قابل قبول تقدیم تماشاگر فهیم و دوستدلر مفاهیم معنوی ایرانی کنند. هنرنمایی کارگردان لحظه‌ای به اوج می‌رسد که شما "هورامزدا" را از زبان هنرمند ایتالیایی، "سروش مقدس" را از زبان ایرانی زن هنرمند و "رب" را از زبان اهریمنی تونس می‌شنوید. این نمونه

آنتیگونه

خلاصه راهنمای کارگردانی، آنتیگونه اثر سوفکل

سپروس وارچورس

هر ده بازیگر گروه تئاتر یکی لسچی در اثر نقشی مرکزی و مهم ایفا می‌کنند. یکی د مرکز دایره (نشسته یا ایستاده) قرار می‌گردد و حضور یا عدم حضور کرئون را در متن اصلی می‌نمایاند. بقیه اعضای گروه نقش‌های دوگانه‌ای دارند یا حضور گروه همسرایان هستند یا نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند.

در نسخه دوم نقش زنان (در گروه همسرایان و حرکات) ثانوی است چون در نسخه اولیه نمایشنامه نقش‌های زنان را برای بازیگران مرد تعیین کرده‌اند.

- جایگاه لژ و ارکستر با همدیگر یکی می‌شوند و روی یک دایره قرار می‌گیرند تا متن کهن شکل بگیرد.

- لباس‌ها به ترتیب سفید و قرمز است، که همین ویژگی لحظات مهم نمایش را نشان می‌دهد (عمدتاً نشان دهنده تغییرات نمایش است).

- نیمه نقاب‌هایی که با زیبایی‌شناسی ساده‌اشان، حالات چهره را پنهان می‌کنند تا همه یکسان بنمایند و شکوه اثر بیشتر جلوه کند.

- نورپردازی با شیوه‌ای مدرن و مشخص با تغییر موقعیت‌های دراماتیک، تغییر می‌کند.

- استفاده از متن (با ضرباهنگ کند و یا شتابان) مطابق با سنت شفاهی به زبان نئوهلینک است. (به همین دلیل ما از لحن اراسمی استفاده نکردیم).

- به طور خلاصه کرئون و آنتیگونه، از لحن‌های نئوهلینک در متن کلاسیک آگون استفاده می‌کنند (چه در تک‌گویی و چه در گفتگوها)، بنابراین سعی می‌شود تا روی صحنه بلاغت کلام حفظ شود مثل (وعظ‌های کلیسایی، سخنرانی‌های سیاسی و دفاعیات دادگاه) این سنت از آغاز دوره مسیحیت رایج شده است.

- سقوط کرئون، از لحظه‌ای که دچار پشیمانی می‌شود، دقیقاً بداعت دارد.

- تیرزیاس نقش خود را از آنتیگونه می‌گیرد و با حرکاتی بدیع نقش خود را به نمایش می‌گذارد.

- تصویر خانواده ایسمنه، کرئون، آنتیگونه تقریباً به نوعی به هزل و طنز نسبت به خود مبدل می‌شود. این واقعه در لحظه‌ای اتفاق می‌افتد که در متن اصلی با اشاره‌ای ظریف، تظاهری شخصی می‌یابد.

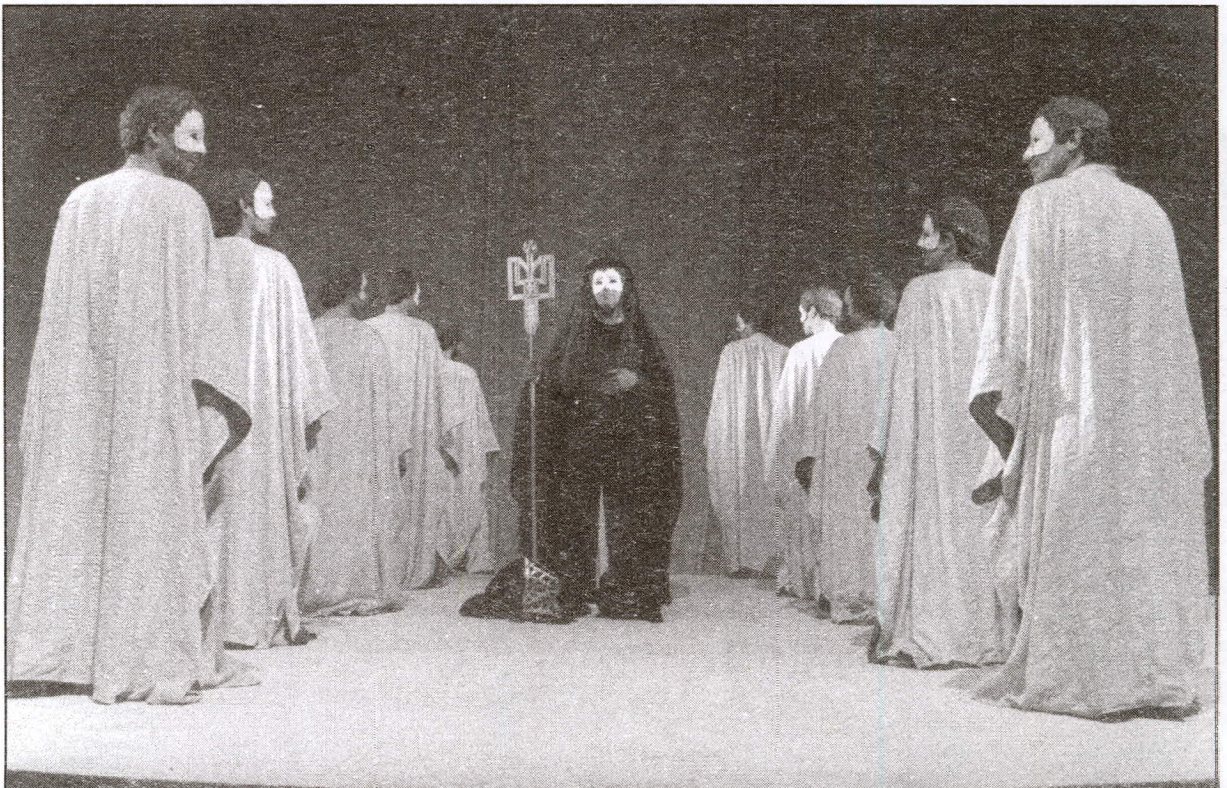
- سوگواری آئینی کرئون (کوموس) بر اساس بیت‌های dochmain تابلویی از صدا را پدید

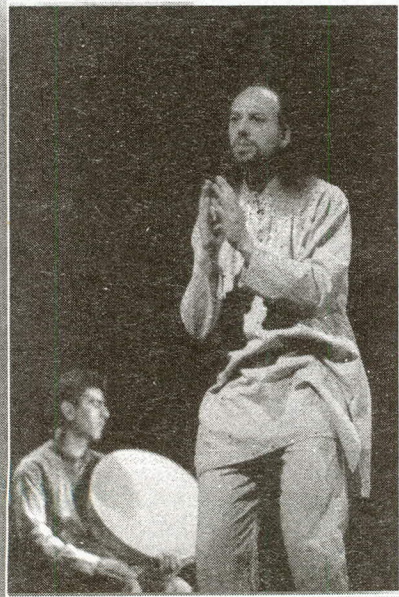
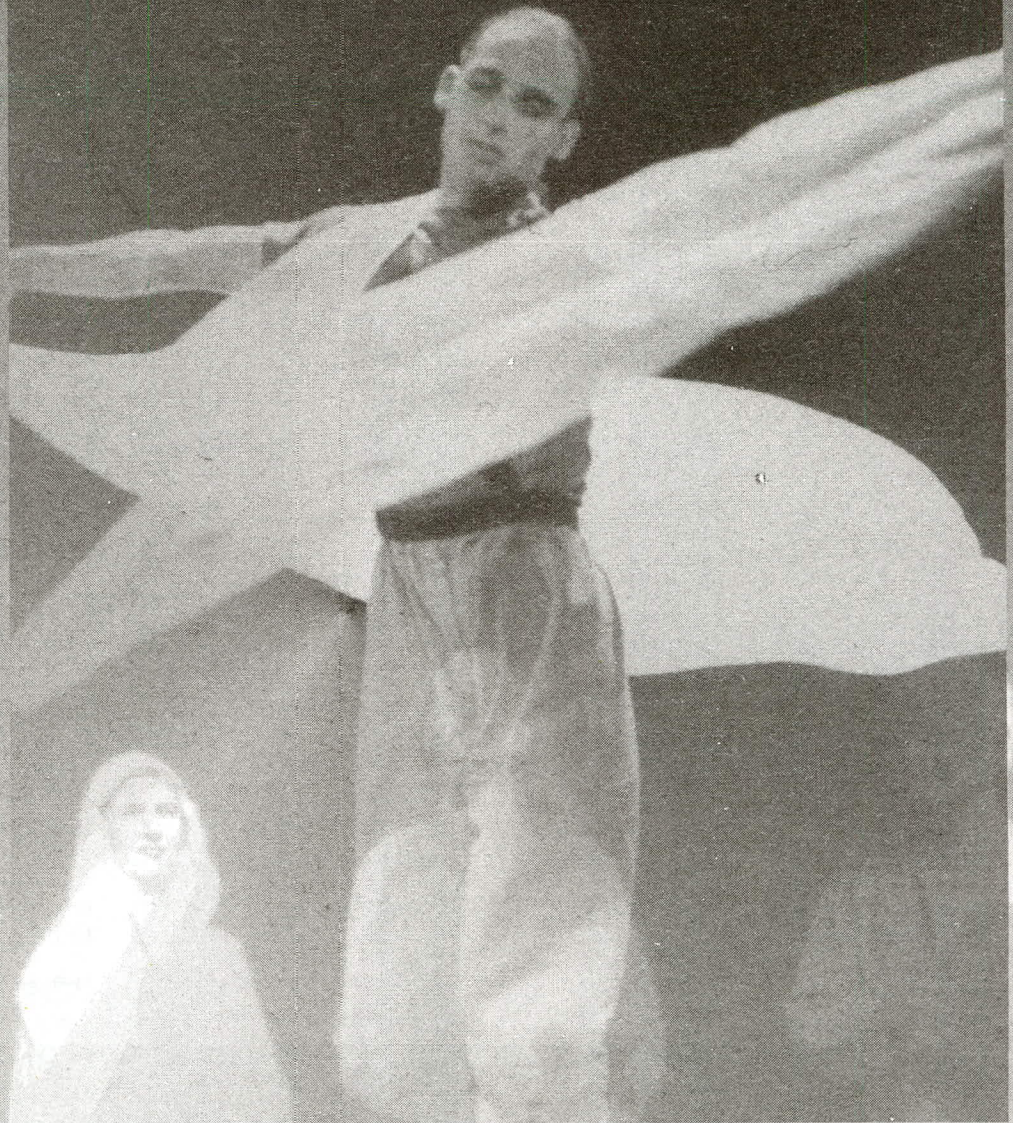
می‌آورند.

- اجرای نقش زنان توسط مردان با استفاده از

اصواتی که در متن اصلی توصیه شده است.

- شیوه پروسوپین، کورتورنوی و از این خلاصه راهنما حذف شده‌است زیرا بسیار پیچیده و نیز زاید به نظر می‌رسد.







اردا و پیراف، مسافر بهشت و دوزخ

تولید مشترک
ایران
و
ایتالیا





◀ مسابقه در تئاتر ضد فرهنگ نیست

گفتگو با محمد رحمانیان نویسنده و کارگردان نمایش خروس

به این طرف که با چند درام‌نویس خوب که سال به سال هم بهتر می‌شوند مواجه هستیم. از جمله "محمد یعقوبی"، "حمید امجد و کارهای نیلوفر آبی و شب سیزدهم" که به نظر من یکی از درام‌های تاریخ درام نویسی ایران است. "حسین کیانی"، "نغمه ثمنی". من خیلی خوشحالم که بزرگترین تأثیرات بعد از خرداد ۷۶ در کار درام‌نویسی بوده است و بیشتر از اینکه بازیگر خوب یا کارگردان خوب پیدا کنیم، درام‌نویس خوب پیدا کرده‌ایم و امیدواریم این قطع نشود و بتوانند کارهای بهتر ارائه کنند.

در حال حاضر ما سالیانه با چندین جشنواره با عنوان‌های مختلف در کشورمان روبرو هستیم آیا با برگزار شدن این جشنواره‌ها بیشتر موافقت یا اینکه نیروهای مرکز هنرهای نمایشی باید روی اجراهای سالیانه گذاشته شود؟

رحمانیان: من معتقدم که جشنواره باید در کنار آموزش و گفتگو باشد اتفاقی که فکر می‌کنم در جشنواره امسال تا جایی رخ داده است. اما بیشترین هزینه باید بر روی اجراهای سالیانه باشد و جشنواره جشن این کارهای سالیانه باشد. همین اتفاقی که در همه جشنواره‌های دنیا می‌افتد مانند جشنواره تونی که در برادوی برگزار می‌شود و بهترین‌های سال در یک جا دور هم جمع می‌شوند و مانند حرفه‌ای‌های ما هم نیستند که بخش مسابقه را رد می‌کنند و می‌گویند مسابقه یعنی چه؟ در آنجا بزرگترین کارگردان‌ها در بخش مسابقه شرکت می‌کنند و جایزه هم می‌گیرند اما من این فضای خفقان‌آلود را که در این چند روزه در برخی از مطبوعات خواندم که بعضی از هنرمندان ما گفته‌اند که اصلاً "بخش مسابقه یعنی چه؟ مسابقه معنی ندارد و... را نمی‌فهمم" این است که همین هنرمندان وقتی در جشنواره فیلم شرکت می‌کنند یک کورس وحشیانه‌ای می‌گذارند که آثارشان در رتبه‌های اول قرار بگیرد و آن را بد نمی‌دانند و کاملاً هم فرهنگی است اما مسابقه در تئاتر را یک ضد فرهنگ می‌دانند یا آن برخورد می‌کنند و آن را توهین‌آمیز می‌دانند و من این حرف‌ها را از زبان دو کارگردان صاحب‌نام و فرانسسه‌رفته کشورمان خوانده‌ام و این حرف‌ها را خیلی توهین‌آمیز دیدم و این شاید به دلیل مظلومانه بودن تئاتر است.

ایمان ذوقی

بود از جمله "عروسک‌ها و دلقک‌ها"، "گزارش محرمانه اوکتاویو والدز"، "ساعت بمباران" و... که به ترتیب در کشورهایی مانند آمریکا، بلژیک و بلغارستان اتفاق می‌افتاد. حتی همین نمایش "مصاحبه" به گونه‌ای در مورد تاریخ و سیاست کشور الجزایر بود اما این سفرها خیلی به من کمک کرد که به مسئله خیلی خیلی مهم ارتباط با مخاطب پی ببرم و متوجه شدم که این ارتباط همیشه یک ارتباط بیانی نیست و در بسیاری از مواقع ارتباط‌های دیداری، مسأله زبان و چند زبانی را در ارتباط بین آدم‌ها جبران می‌کند. من در یکی از سفرها نمایش مصاحبه را به زبان انگلیسی اجرا کردم و با یک مخاطب غیر هم‌زبان مواجه بودم و صحبتی که با منتقدین و مدرسین دانشگاه‌های اوکراین و ایتالیا داشتم آنها هم همین عقیده را داشتند که من بیشتر به جنبه‌های دیداری پرداخته‌ام. در مجلس‌نامه جنبه‌های دیداری‌ای که در نمایش‌های سنتی ما مانند تمزیه و تخت حوضی وجود دارد و همچنین در نمایش مصاحبه بیشتر به جنبه‌های ارتباطی عمیق میان آدم‌ها پرداخته بودم تا مسأله زبان را که برخی منتقدان آن را با آثار کافکا مقایسه کرده بودند. یا آن نوع فضای کافکاواری که باعث شده بود روی ذهن آنها تأثیر بگذارد و فقط به من کمک کردند که مخاطبینم را بهتر بشناسم.

به نظر شما آیا درام‌نویسی در کشور ما سیر درستی را طی می‌کند و در این چندین سال اخیر چه تحولی صورت گرفته و آینده آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رحمانیان: دو بخش دارد. یک بخش مربوط به قبل از خرداد ۷۶ است که درام‌نویسان قدرتمندی وارد عرصه درام‌نویسی شدند، مانند محمد چرمشیر، مانند اولین کارهای حمید امجد، داوود میرباقری و دیگران اما از سال ۷۶

آقای رحمانیان "خروس" را چطور نوشتید؟
رحمانیان: نمایش خروس یک تجربه بسیار بسیار ساده است اما من مدت‌ها است که اصلاً نمایشنامه ساده نوشته‌ام، البته نمی‌خواهم بگویم که نمایشنامه پیچیده‌ای نوشته‌ام در واقع زبان ساده قصه گوئی در نمایش را مدت‌ها است که رها کرده‌ام. یکی از بیننده‌های همیشگی نمایش من مادرم بود و همیشه می‌گفت که ارتباط برقرار نکردم و می‌گفت یک جوری است، من می‌گفتم چگونه باید باشد و او در جواب من می‌گفت، یک نمایشنامه سرگذشتی بنویس و این نمایش تجربه‌ای است درباره یک نمایش سرگذشتی و خروس سرگذشت یک خانواده افغانی است که البته این نمایش پیش از اینکه یک نمایش سرگذشتی باشد به نظر من یک نمایش سرنوشتی شده است.

تمام تلاش من این بود که یک داستان خیلی خیلی ساده را به شکل کلاسیک بیان کنم و سعی کردم از شگردهای مدرن نویسی استفاده نکنم و بسنده کردم به این که یک داستان را با تمام خصوصیات داستانی آن تعریف کنم و نمی‌دانم که چقدر موفق بوده‌ام.

ما در نمایش‌های شما تا کنون جنبه‌هایی را دیده‌ایم که یک سری ویژگی‌های جهانشمول را هم دارند. از این رو اجرای نمایش‌های شما در جشنواره‌های خارج و همچنین اجرای نمایش‌های خارجی در ایران چه تأثیری در روند تئاتر کشور ما داشته است؟

رحمانیان: من در واقع جغرافیایی مختلف را برای کار خودم انتخاب می‌کنم و این مهم هیچ ربطی به این حوادث چند ساله اخیر ندارد. من اولین نمایش‌هایی که اجرا کردم از جغرافیای می‌گذشت که زمان و مکان آن خارج از کشور

ساختار زندگی واقعی

گفتگو با جواد پیشگر کارگردان نمایش دوئنی کوتاه بر پائیز



آیا نکته فنی خاصی در شکل اجرایی این اثر وجود دارد و شیوه‌ای خاص برای آن در نظر دارید؟
پیشگر: فکر می‌کنم ما باید نمایشنامه‌هایی را که با ساختار زندگی واقعی نزدیکند به اجرا در آوریم زیرا جای این جنس از نمایشها و اجراها در صحنه‌خالی است البته کاری به کم و کیف اجرای کار خودمان ندارم. بهر حال این کار زمانیکه به روی صحنه می‌آید می‌شود درباره آن قضاوت کردولی به اعتقاد من نیاز شدیدی به ایندست نمایشها در تئاتر معاصر ایران وجود دارد.

و در موردی که می‌توانم یادآوری کنم و یکی از شاخص‌های مهم این جشنواره می‌باشد بین‌المللی بودن و حضور گروه‌های خارجی است که اجراهای آنان حکم آموزش را داراست.

بعنوان آخرین سنووال وقتی با بسیاری از دانشجویان تئاتر صحبت می‌شود اشاره دارند به این مشکل که برابر فعالیت عملی باید خودشان را محدود کنند به جشنواره‌های دانشجویی و گرنه بیرون از محیط دانشگاهی خودشان نمی‌توانند کار کنند. به نظر شما این خیل عظیم جوان و مستعد تکلیفشان چیست و چه سیاستی را می‌توان پیشنهاد کرد؟

پیشگر: مطالبی که فرمودید معضلی است که نه تنها دانشجویان بلکه افراد دیگر هم که دست‌اند، کار، تئاترند. ما آن را مواجهه‌اند. بکه، از مشکلات عدیده ما در جامعه عدم امکانات و

مضمون نمایش شما چیست؟

پیشگر: همدم و محمود، زوجی تنها برای تحمل گذر رخوت‌انگیز عمر تدبیری اندیشیده‌اند که با تدارک بازیهای در واقعیت و وهمشان غرق می‌شوند و در این میان در تنهائی‌های همدم آنچه حاصل می‌شود تلخی مکرر است. در واقع این‌نمایش براساس فرم موسیقایی دوئت که قطعه‌ایست که با دو ساز نواخته می‌شود نوشته شده و ما در ساختار نوشتاری از این اثر و فرم بهره‌می‌بریم.

چه ویژگی خاصی در این متن بود که شما علاقمند به اجرای آن شدید؟

پیشگر: یکی از مسائلی که ما سالهای اخیر یا شاید هم قبل‌تر در تئاتر با آن مواجه بودیم عدم وجود متن‌های خوب ایرانی است. این اثر آن شکلی از زندگی است که بر پیوند این زوج حاکم است زن و شوهری که هر کدام دارای تفکر و اندیشه‌ای برای آغاز و ادامه زندگی دارند و به ظاهر نیز بدون مشکل. اما در باطن در نوعی رخوت و تنهائی بسر می‌برند که ناگزیر برای فرار از آن در جستجوی یک عامل هستند که دقیقاً همین عامل شکل نمایشی پیدا می‌کند. نمایشی که آغاز می‌شود و به پایانی تلخ می‌رسد و این پایان هر چند در مقطعی تمام می‌شودولی باز در بخش دیگر با همان تنهائی و رخوت باز می‌گردد. چیزی که من فکر می‌کنم بنوعی در بسیاری از زندگیهای پیرامون ما به چشم می‌خورد.

ابزار لازم برای اجرای صحنه است. نمونه بارز آن هم کمبود سالن است که طبیعتاً مشکلات فراوانی را به همراه دارد. بلکه ما نیروی جوان فعال و پرانرژی زیادی داریم که مشتاقانه به تئاتر علاقمندند ولی امکانات ندارند. خود شهر تهران با این تعداد جمعیت چند سالن تئاتر در اختیار دارد؟ مجموعه تئاتر شهر و نهایتاً چند سالن دیگر البته این فقط سالنهایی است که در اختیار مرکز هنرهای نمایشی است. بسیاری از مراکز هستند که سالنهایی را در اختیار دارند و می‌شود با کمی پیگیری از آنها به عنوان سالن تئاتر بهره‌برداری شود.

مهدی رضانی

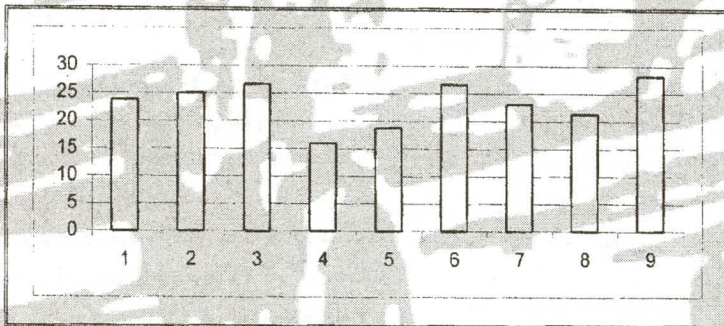


دفتر طرح و برنامه مرکز هنرهای نمایشی

نتایج آماری آرای تماشاگران

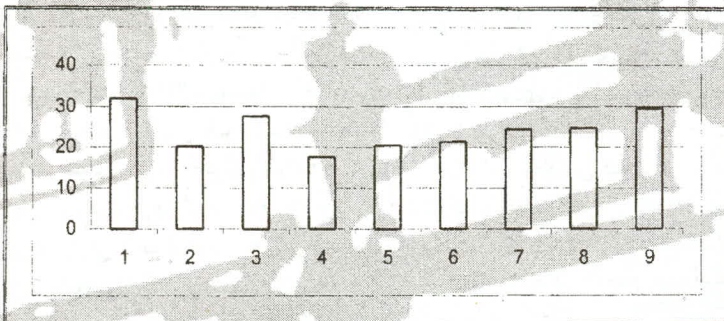
درباره ی نمایش های اجرا شده در روز سه شنبه ۱۱ بهمن ماه

متن (نمایش نامه)



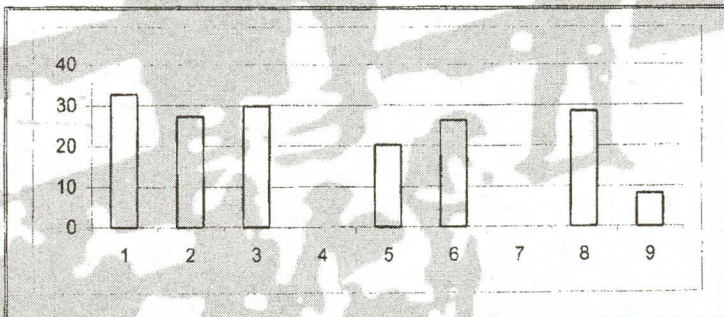
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۵	۲۳/۸۰
۲	ارداویرافتامه	۴	۲۵/۰۳
۳	خروس	۳	۲۶/۶۴۶
۴	هزارتوی من بهجت	۹	۱۶/۰۳
۵	دوتلی کوتاه برای پائیز	۸	۱۸/۸۳
۶	تولد	۲	۲۶/۶۴۸
۷	که دیوانه می خندد	۶	۲۳/۰۹
۸	پس تا فردا	۷	۲۱/۲۸
۹	فیروزه که می خواند	۱	۲۸/۱۸

کارگردانی



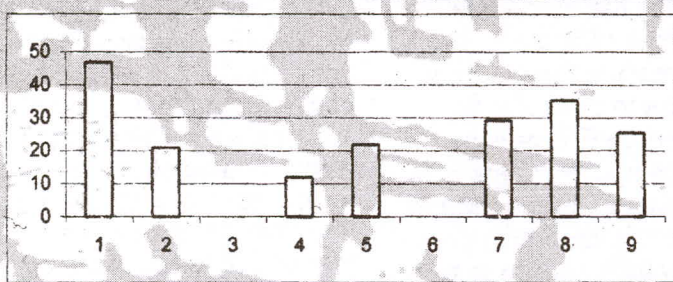
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۱	۳۱/۸۰
۲	ارداویرافتامه	۸	۲۰/۱۰
۳	خروس	۳	۲۷/۵۶
۴	هزارتوی من بهجت	۹	۱۷/۵۶
۵	دوتلی کوتاه برای پائیز	۷	۲۰/۴۷
۶	تولد	۶	۲۱/۲۷
۷	که دیوانه می خندد	۵	۲۴/۲۸
۸	پس تا فردا	۴	۲۴/۷۵
۹	فیروزه که می خواند	۲	۳۹/۴۶

بازیگر نقش اول مرد



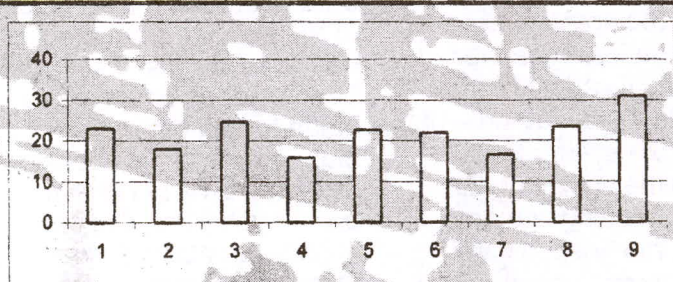
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۱	۳۲/۷۴
۲	ارداویرافتامه	۴	۲۷/۲۲
۳	خروس	۲	۳۹/۷۱
۴	هزارتوی من بهجت	-	ارزانی بند
۵	دوتلی کوتاه برای پائیز	۶	۲۰/۲۸
۶	تولد	۵	۲۶/۱۷
۷	که دیوانه می خندد	-	ارزانی بند
۸	پس تا فردا	۲	۲۸/۴۷
۹	فیروزه که می خواند	۷	۸/۱۳

بازیگر نقش اول زن



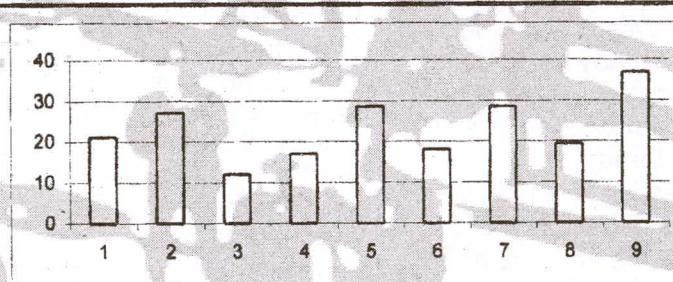
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۱	۴۶/۸۵
۲	اردلوپرافنامه	۶	۲۰/۸۹
۳	خروس	-	۰
۴	هزارتوی من بهجت	۷	۱۲/۰۰
۵	دولتی کوتاه برای پائیز	۵	۲۱/۹۱
۶	تولد	-	۰
۷	که دیوانه می خندد	۳	۲۹/۲۶
۸	پس تا فردا	۲	۳۵/۲۶
۹	فیروزه که می خواند	۴	۲۵/۶۳

طراحی صحنه



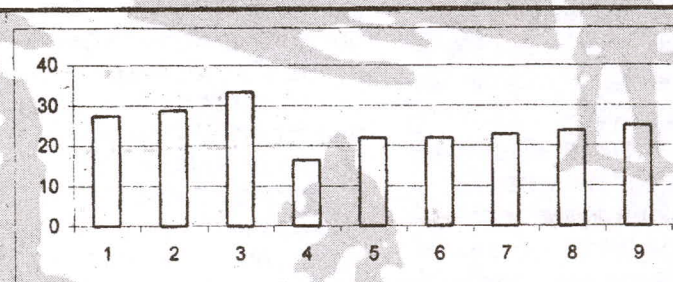
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۴	۲۲/۹۰
۲	اردلوپرافنامه	۷	۱۷/۹۸
۳	خروس	۲	۲۴/۵۲
۴	هزارتوی من بهجت	۹	۱۵/۸۴
۵	دولتی کوتاه برای پائیز	۵	۲۲/۶۰
۶	تولد	۶	۲۱/۹۶
۷	که دیوانه می خندد	۸	۱۶/۵۲
۸	پس تا فردا	۳	۲۳/۴۳
۹	فیروزه که می خواند	۱	۳۰/۹۹

موسیقی



ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۵	۲۷/۱۹
۲	اردلوپرافنامه	۴	۲۷/۱۳
۳	خروس	۹	۱۲/۰۵
۴	هزارتوی من بهجت	۸	۱۷/۱۰
۵	دولتی کوتاه برای پائیز	۳	۲۸/۰۶
۶	تولد	۷	۱۸/۰۲
۷	که دیوانه می خندد	۲	۲۸/۶۴
۸	پس تا فردا	۶	۱۹/۴۳
۹	فیروزه که می خواند	۱	۳۶/۸۳

مجموع آرا (بعلاوه ی طراحی لباس، نورپردازی، گریم و بازیگران مکمل)



ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	شازده احتجاب	۳	۲۷/۴۱
۲	اردلوپرافنامه	۲	۲۸/۴۵
۳	خروس	۱	۳۳/۳۶
۴	هزارتوی من بهجت	۹	۱۶/۲۸
۵	دولتی کوتاه برای پائیز	۸	۲۷/۹۸۸۰
۶	تولد	۷	۲۷/۹۸۸۷
۷	که دیوانه می خندد	۶	۲۲/۸۲
۸	پس تا فردا	۵	۲۳/۷۷
۹	فیروزه که می خواند	۴	۲۵/۰۳

Festivals but this time decided to go the festivals which are not so well known. In these festivals interesting things happen. Iranian theatre is like a Radio play. The actors on the stage make no movement or action in relation to each other. In West European countries the critic tries to prove he understands the play better than the director. In my opinion a critic should be open minded and curious.

Mr. Son Bao In the head of the Peking Opera "Lady Yang" said: "After the speech of Mr Khatami in the United Nation we are happy to be participating in Fadjr Festival.

Our Opera group was founded seventy years ago. In our theatrical group we even have a research department. The problem of Chinese Opera is the language gap. In our group we have even performed love stories which were quit successful.

We have a very long river in china called the "Yellow river" and the roots of our culture is from the civilization which existed around the yellow river. The government has established offices in different cities who's responsibility is to attract people to operas.

Introducing International Section

Ross Weizston Critic on Antigone

...at once harrowing and magisterial
Spyros Vrachorit's production of Antigone has

been acclaimed in Greece for several years for its attempt to accurately reproduce the pronunciation and rhythms of ancient Greek, apparently the first serious challenge to the solution proposed by Erasmus five centuries ago. Perhaps a philologist could understand Vrachorit's program notes – "Antigone's challenge to me is the audible message, is the accords of vowels and consonants, is the intensity (this rather particular tension, which sounds to me like an 'ecological' timbre) of the antithetical speeches, the metrical variety of the choral flow", and so on – but the rest of us were left to listen to the voices of his actors. Chanting, intoning, singing, rarely speaking in tones approaching everyday speech or even conventional theatrical incantations – and on occasion vocalizing long passages giving equal, discrete, uninflected stress to every syllabic, with no sense that they could be linked together to form words – the cast manages to evoke emotion through pronunciation and rhythm alone, as if the words of the text were the notes of a song.

But if Vrachorit is aiming for authenticity in the ritualistic articulation of ancient Greek, in several other respects his approach is modern, even "experimental". Antigone is alternately played by a man and a woman, for instance, and Haemon delivers several lines of the second messenger's speech as if to show that the message is coming from mouth of the

dead, from the realm of the ever-present unseen. Still, just as impressive as Vrachorit's philological explorations and nontraditional devices is his relatively conventional though highly imaginative staging. Slatcly without being stuffy, using formal posing without falling into rigid pomposity his production takes place on a circular white set as taut and as resonant as a drum. Creon is the first character to appear without a mask, as if the play moves, at his entrance, from the religious to the secular, from the mythic to the historical. And Creon stands or sits center stage for almost the entire play, watching his accusers as they slowly circle him, only moving from his spot – slightly stumbling forward, stunned, disoriented when he realizes his error at last, when his sense of unquestioned authority finally disintegrates. Tiresias appears in a costume almost identical to Antigone's, and, in another mirroring effect, Creon's pose as the lights fade at the end of the play is virtually the same as Antigone's when they rose at the beginning. Creon, for a modern audience, as the focus of Antigone? – an intriguing if not wholly original idea. In any case, Antigone, the harshest of heroines – though often regarded as the exemplary tragic figure for our day ("a crime that was my duty") – disappears long before the end of the action, and for all her complaints about her isolation, is supported by virtually every character in the play. Seeing Vrachorit's transcendent production, I never admired her more – or liked her less.

A Critic on Chinese Opera

Chinese Opera all Lyrics and Myths

Chinese opera "Lady Yang" on the stage of Vahdat Hall was very much like a picture with thousands of colours, from China the land of sage and the land of ancient myths.

It is a wonderful feeling to sit on the velvet chairs of Vahdat Hall and with anticipation wait for the artistic performance of Chinese women and men. "Lady Yang" with all its beauty and glamour was performed and we were flooded with colour, light and music.

"Lady Yang" is a combination of history and myth. Lady Yang in her defence for her land and her believes in a blood shedding battle encounters her son, Yang Duer. Yang Duer joins

his mother, however Lady Yang at a very sensitive moment learns that to save her country, she has to sacrifice her son.

Chinese Opera is a show of symbols and a combination of set design, dance, music, light and other theatrical effects.

Chinese Opera shows sadness and happiness at its height of beauty but in this kind of play music loses its identity and independency.

Interviews

An Interview with Mohsen Hosseini the director of "Medea"

The play is a deduction from three texts, "Euripides" "Jean Anouilh" and a novel "Whispers of Medea" written by Christina Wolf. In the play I have tried to pay more attention to the mental destruction of Medea which is more emphasised in the novel. The play is in four acts the ensembles who sing with chorographical movements, the monologue of Medea and the dialogue between Medea and Jasson, the third act is completely different from the first two acts and even the last act. In the third act we have designed the light in a way that 50% of the audience would be come part of the stage. This had been as a genre in a my other works as well.

An Interview with Mohammad Rahmanian, the writer and director of "Rooster".

In my plays I pay a lot of attention to Geography. Visual elements are a lot more important to me in

plays than words. Through Visual elements we can solve so many difficulties in theatre which arise out of difference of language. In my two plays "Majless Nameh" and "Interview" I payed attention to this matter and many critics compared my work to works of Kafka.

An Interview with Nader Borhani Marand the director of "Birth"

We shouldn't yet talk about professional theatre, we have three generations. First generation are the pioneers the second generation and I think we are the third generation. The three generations have been separated by wrong believes, which I think are not based on facts but just born out of wrong conclusions. Maybe a group from the third generation performs a work which may be their first experience but it is so well done that there are no examples like it in the first generation.

A Report From The Press Conference.

On the tenth day of the Fajr Festival Ms Renate Klett, the critic and director of German Festivals and Mr. Son Bao In the head of the "Peking Opera" group participated in the press conference. Renate Klett said: "I've spent my whole life in theatre. Directing and dramaturging and I have even worked in Cinema. Directing was my main occupation but now I'm a theatre critic. I am also an expert in International theatre and go to many

NAMAYESH

The 19th International
Fajr Theatre Festival

No. 11

Editor-in-chief:

Lale Taghian

Graphic Designer:

Anoushiravan Mirzaei

Translators:

Akhfar Etemadi

Ava serjoei

Photographer:

Fattane Dadkhah

Computer Graphist:

Kianoosh Ramezani

Type-setting:

Farzane Sarmadi

Parviz Mirzahosseini

برنامه‌های امروز جشنواره

تالار وحدت:
۱۳ بهمن: آنتیگونه - یونان ۱۹
سالن اصلی تئاتر شهر:
۱۳ بهمن: باغ شب‌نما
هادی مرزبان یک اجرا ۱۸
سالن چهارسوی:
۱۳ بهمن: هفت قبیله گمشده
قطب‌الدین صادقی ۱۷ و ۱۹/۳۰

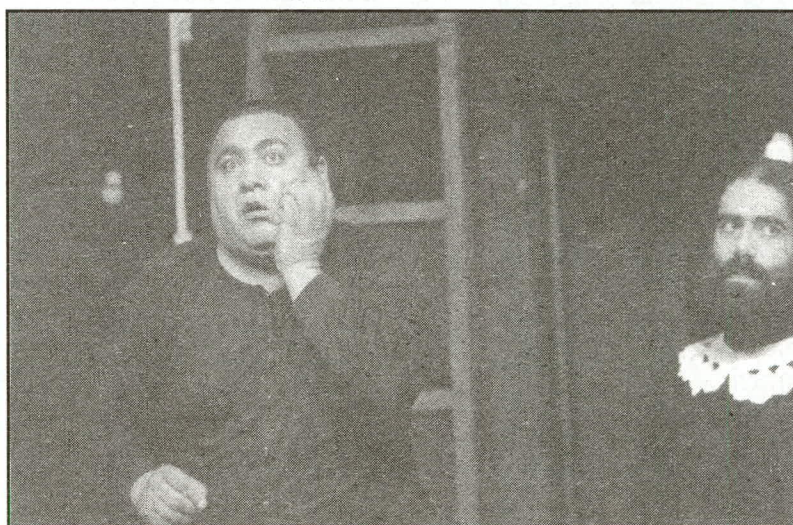
سالن سایه:
۱۳ بهمن: اتاق خصوصی
حسینعلی طباطبایی ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰
تالار قشقایی:
۱۳ بهمن: دزد دریایی
امیر دژاکام یک اجرا ۱۷
تالار کوچک:
۱۳ بهمن: تماس
طوفان مهرادیان ۱۹ و ۲۱

تالار هنر:
۱۳ بهمن: مرگ یزدگرد - گیلان
رضا فرخی ۱۷/۳۰ و ۱۹
تالار سنگلج:
۱۳ بهمن: قصه‌های درگوشی - شیراز
امیر کوهستانی ۱۷ و ۱۹
تالار مولوی:
۱۳ بهمن: این قصه را ایرانیان نوشته‌اند
علیرضا نادری ۱۶ و ۱۸/۳۰

**بوستانها و میادین تهران:
نمایشهای خیابانی**

جلسه نقد و بررسی

پنجشنبه ۱۳ بهمن: نقد و بررسی نمایش باغ شب‌نما به کارگردانی هادی مرزبان توسط نصرالله قادری و مهرداد رایانی مخصوص، نمایش هفت قبیله گمشده به کارگردانی قطب‌الدین صادقی توسط همایون علی‌آبادی، کتابون حسین‌زاده و منوچهر اکبرلو و نمایش اتاق خصوصی به کارگردانی حسینعلی طباطبایی توسط صمد چینی‌فروشان، محمود اکبرلو و مصطفی محمودی.



آمار تماشاگران جشنواره در تاریخ چهارشنبه ۱۲ بهمن

تالار وحدت	تالار اصلی (تئاتر شهر)	سالن چهارسوی (تئاتر شهر)	سالن سایه (تئاتر شهر)	سالن قشقایی (تئاتر شهر)
آنتیگونه یونان یک سانس: ۹۰۰ نفر	هفت کردار هرمز هدایت سانس اول: ۶۶۰ نفر سانس دوم: ۶۹۰ نفر	مکتب فرهاد مهندس‌پور سانس اول: ۱۶۵ نفر سانس دوم: ۲۰۰ نفر	خورشید بانو شکرخدا گودرزی سانس اول: ۱۹۲ نفر سانس دوم: ۲۲۵ نفر	دزد دریایی امیر دژاکام سانس اول: ۲۵۰ نفر سانس دوم: ۱۸۵ نفر
سالن کوچک (تئاتر شهر)	تالار هنر	تالار سنگلج	تالار مولوی	فضای باز (تئاتر شهر)
سبز سرخ محسن سراجی سانس اول: ۱۸۰ نفر سانس دوم: ۱۱۵ نفر	مرگ یزدگرد رضا فرخی سانس اول: ۸۶ نفر سانس دوم: ۱۳۵ نفر	قصه‌های درگوشی امیر کوهستانی سانس اول: ۳۰۵ نفر سانس دوم: ۲۳۵ نفر	در جامه مردگان مجید واحدی‌زاده سانس اول: ۸۵ نفر سانس دوم: ۷۴ نفر	مجلس تمزیه رزم توبک یک مجلس: ۶۵۰ نفر

کل تماشاگران سالی: ۵۵۲۵ نفر

پارک دانشجو	پارک ملت	پارک شهر	پارک لاله	پارک لاله	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی
خلع شمالی هفت خوان ۵۰۰ نفر اوانت بمونی ۲۰۰۰ نفر	پارک ملت اوانت بمونی ۳۵۰ نفر تلفن همگانی ۲۵۰ نفر	پارک شهر پرده برالتاد ۵۵۰ نفر برباد رفته ۵۵۰ نفر	پارک لاله آمفی تئاتر ۶۰ نفر	پارک لاله جلسه اول رایگان ۶۰ نفر	پارک آزادی دل چنان کتدم ۱۸۰ نفر نیک پندام ۲۰۰ نفر	پارک آزادی برخورد ۲۰۰ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر
پارک دانشجو	پارک ملت	پارک شهر	پارک لاله	پارک لاله	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی	پارک آزادی
خلع جنوبی حصان ساسگاری ۱۵۰۰ نفر تکم خوانی ۱۲۰۰ نفر پرباد رفته ۱۲۰۰ نفر	پارک ملت اوانت بمونی ۳۵۰ نفر تلفن همگانی ۲۵۰ نفر	پارک شهر پرده برالتاد ۵۵۰ نفر برباد رفته ۵۵۰ نفر	پارک لاله آمفی تئاتر ۶۰ نفر	پارک لاله جلسه اول رایگان ۶۰ نفر	پارک آزادی دل چنان کتدم ۱۸۰ نفر نیک پندام ۲۰۰ نفر	پارک آزادی برخورد ۲۰۰ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر	پارک آزادی سازای شرای ۲۵ نفر
دانشگاه شریف فائق شبیر ۲۰۰ نفر برباد رفته ۱۵۰ نفر	دانشگاه علامه طباطبایی هفت خوان ۲۰۰ نفر	کوی دانشگاه تهران اوانت بمونی ۲۰۰ نفر	دانشگاه شهید بهشتی ۲۰۰ نفر	دانشگاه شهید بهشتی ۲۰۰ نفر	پارک خيام چک ۷۰ نفر	پارک خيام چک ۷۰ نفر	پارک خيام چک ۷۰ نفر	پارک خيام چک ۷۰ نفر	پارک خيام چک ۷۰ نفر

کل تماشاگران خیابانی: ۱۲۴۸۵ نفر



PLACE	VAHDAT HALL	MAIN HALL	CHARSOO HALL	SAVEH HALL	GHASHGHAEI HALL	LITTLE HALL	HONAR HALL	SANGELADJE HALL	MOLAVI HALL	ARTIST'S HOME	INFRONT OF THE CITY HALL	PARKS AND SQUARES OF TEHRAN
DATE	19-21	18-20	17-19	18:5-20/5	17-20	19-21	17:30-19	17-19	16-18	10-13	3 PM	AM-PM
TAZIEH EMAM SADEGH (P.B.U.H) 3 PM (INFRONT OF THE CITY HALL)												
SAT 20 JAN 2001	ANTIGONE P.SABERIV	SOOVASHON M.MOHAMEDIV	MACHEBETH F.MOHANDES POORV	FISHES SLEEP TIME M.A.Y.A.R AHMADI	THE JOURNEY OF A WOMAN M.ARBARZADEH O (ESEFAHAN) O (MORABANIPOOR)	THE BLUEST SKY THE CITY A.M.ALEKI O (KORDESTAN)	THE BLUEST SKY THE CITY A.M.ALEKI O (KORDESTAN)	THE GHAJAR COFFEE A.PESIANI	A TRIP FOR ARASH K.SHAFFIEV			TAZIEH SHIRAFKAN
SUN 21 JAN 2001	THE EPOPPE OF THE ROCK REVOLUTION P.MARZBAN	FLIES SLOVENI	THE LEGEND OF ARASH'S PEACE M.NOJOMI O (MORABANIPOOR)	STRANGER CHILD H.DADSHAKAR	THE LAND OF THE CHARM B.A.LIKARIM O (KORDESTAN)	TANOOREH OF THE CITY A.M.ALEKI O (ESEFAHAN)	WHISPERED STORIES A.KOOHESTANI O (SHIRAZ)		THE LAST PEARL O.H.AZARANG			TAZIEH SHIRAFKAN
MON 22 JAN 2001	STUBBORNNESS (TRANGAVES) S.IERRA LEONE	FLIES SLOVENI	SANSAREH ON.GHADERI	THE CHARM OF BURNT TEMPLE O.K.MORADI	THE THRONE DOVE ON.DEHGHAN	THE ALBORZ AS VAST AS THE UNIVERSE M.ROSTAMI O (KORDESTAN)	WHEN WE RETURN... E.POSHTKOOHI O (BANDAR ABBAS)		THE LAST PEARL O.H.AZARANG			TAZIEH KHANDAGH WAR O (GHAZVIN)
TUE 23 JAN 2001	STUBBORNNESS (TRANGAVES) S.IERRA LEONE	ANTIGONE GERMANY	OVER COAT BULGARIA	TREMBLING AUSPICIOUS O.M.ALIKHANI	SIR MOHAMMAD KHAN CALIGOLA O.C.SHAMLOO	THE DOUBLE DOVE ON.DEHGHAN	THE DOG CRIES H.P.LOOK O (KERMANSHAH)		ROCK ON THE ROCK O.TARHOMI- ARAB			TAZIEH KHANDAGH WAR O (GHAZVIN)
WED 24 JAN 2001	MEMORIES SWITZERLAND	ANTIGONE GERMANY	OVER COAT BULGARIA	A MINUTE SILENCE O.M.YABHOBI	SIR MOHAMMAD KHAN CALIGOLA O.C.SHAMLOO	MINOTOR A.KHABAZ O.DADGAR	INTERVIEW (IN ENGLISH) M.RAHMANIAN		IF IT RAINS M.AKBARNEJAD O (FARS)			TAZIEH KHEIBAR WAR O (SHIRAZ)
THR 25 JAN 2001	THE SPINNING LIVES EGYPT	SALEH AL-ABD SALEH PALESTINE	LITTLE PRINCE GERMANY	REJESORES NEVER DIE O.H.KIANI	THE RED VOICE H.NASRABADI	MINOTOR A.KHABAZ O.DADGAR	INTERVIEW (IN ENGLISH) M.RAHMANIAN		IF IT RAINS M.AKBARNEJAD O (FARS)			TAZIEH KHEIBAR WAR O (SHIRAZ)
FRI 26 JAN 2001	THE SPINNING LIVES EGYPT	SALEH AL-ABD SALEH PALESTINE	LITTLE PRINCE GERMANY	THE GIRL WITH THE SCARLET SHAWL O.H.NAEMI	THE BOLD & GOLDEL SH.NOOSHRI O (GOLESTAN)	NAMELESS MARIA O.N.HASHEMPOOR	POOF H.HESSAMI (THE DECEASED)		MEDEH-A O.M.HOSSEINI			TAZIEH SAFEIN WAR O (ARAK)
SAT 27 JAN 2001	LADY YANG CHINA	LEONARDO PORTUGAL	LIFE IN THE THEATRE D.MOADABIAN	AROOS HOTEL O.S.TIRANDAZ	ODISEH AUNT O.B.TAVASOLI O (YAZD)	THE BROKEN CASSATTE S.H.ZARGHANI O (KHORASAN)	POOF H.HESSAMI (THE DECEASED)		LILVA S.AKBARNEJAD O (KHOZESTAN)			TAZIEH SAFEIN WAR O (ARAK)
SUN 28 JAN 2001	LADY YANG CHINA	LEONARDO PORTUGAL	COCK M.RAHMANIAN	THE MUTE THAT WAS DREAMED O.A.PESIANI	ODISEH AUNT O.B.TAVASOLI	THE MAD THAT LAUGHS M.NOROOZI BADADI O (KHOZESTAN)	REGRET, HOPE,DREAM M.HASHEMI		BAZIKHANEH T.MASOOMI O (ARDABIL)			TAZIEH HOSHAM O ALGHAMEH
MON 29 JAN 2001	EHEJAB PRINCE O.A.RAFIEV	ARDAVIRAF- NAMEH IRAN-ITALY	SEEDS OF MEMORY ARGANTINA	MY COMPLICATIONS O.H.ATEFI	DUET FOR FALL O.J.PISHGAR	THE MAD THAT LAUGHS M.NOROOZI BADADI O (KHOZESTAN)	THEN TILL TOMMORROW M.Y.AGHOOBI		THE SOUND OF THE SEA K.ZAREEI O (KOM)			TAZIEH HOSHAM O ALGHAMEH
TUE 30 JAN 2001	ANTIGONE GREECE	SEVEN MANNERS H.HEDAYAT	SEEDS OF MEMORY ARGANTINA	LADY KHORSHID O.S.H.GOODARZI	THE PIRATE O.A.DEJAKAM	THE DEATH OF YAZDGERD R.FARAKHI O (GILAN)	THE NIGHTS OF THE AVIGNON K.NARIMANI		IN THE CLOTHES OF THE SLAVES M.VAHEDI ZADEH O (ARDABIL)			TAZIEH TABOOK O BATTLE
WED 31 JAN 2001	ANTIGONE GREECE	THE SHINNING GARDEN H.MARZBAN	THE SEVEN LOST TRIBE O.H.SADEGHI	PRIVATE ROOM H.TABATABAIEV	THE PIRATE O.A.DEJAKAM	THE DEATH OF YAZDGERD R.FARAKHI O (GILAN)	3 NIGHTS OF NIGHTS H.KHALILIFAR		THE STORY WAS WRITTEN BY THE IRANIAN O.A.NADERI			TAZIEH O FATAH
THR 1 FEB 2001	ANTIGONE GREECE	THE SHINNING GARDEN H.MARZBAN	THE SEVEN LOST TRIBE O.H.SADEGHI	PRIVATE ROOM H.TABATABAIEV	THE PIRATE O.A.DEJAKAM	THE DEATH OF YAZDGERD R.FARAKHI O (GILAN)	3 NIGHTS OF NIGHTS H.KHALILIFAR		THE STORY WAS WRITTEN BY THE IRANIAN O.A.NADERI			TAZIEH O FATAH
FRI 2 FEB 2001	VAHDAT HALL CLOSING CEREMONY- 5 PM											

“THE PERFORMING ARTS,PIONEER IN THE DIALOGUE BETWEEN CULTURES AND CIVILIZATIONS IN 2001”

* INTERNATIONAL SECTION
 O IRANIAN SECTION - OUT OF THE COMPETITION.
 O IRANIAN SECTION - IN THE COMPETITION.
 O ENTEFAZEH SECTION
 O A RETROSPECTIVE ON THE PREVIOUS YEAR(2000) THEATRE.
 O THE LIFE OF EMAM ALI BY TAZIEH

نوزدهمین

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تهران - ۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۷۹

THE

19th

INTERNATIONAL

FADJR THEATRE FESTIVAL

TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001